

## بازتاب طبیعت در فرم و محتوای قالی‌های هریس

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۲۳

کد مقاله: ۳۲۲۲۳

عبداله میرزایی<sup>۱\*</sup>، فاطمه باقری زاده<sup>۲</sup>

### چکیده

هنرهای صناعی ایران به عنوان بخشی از میراث فرهنگی و هنری این سرزمین، همواره بستری برای انتقال سنت‌های بومی ایرانیان در طول تاریخ بوده‌اند. این هنرهای بومی و سنتی متناسب با شرایط طبیعی و جغرافیایی هنرمندان تولیدکننده ویژگی‌های هویتی خود را به دست آورده‌اند. در این بین قالی‌های دست بافت ایرانی بویژه در مناطق عشایری و روستایی به عنوان یکی از شاخص‌ترین صنایع بومی ایران تصویری روشن و تمام نما از جغرافیا، طبیعت و فرهنگ بافندگان را به نمایش می‌گذارد. منطقه قالی بافی هریس به عنوان یکی از مطرح‌ترین تولیدکننده قالی‌های ایرانی در سبک روستایی است. ویژگی‌های شاخص در فرم و محتوای قالی‌های این منطقه باعث شده است تا قالی هریس ضمن کسب هویتی یگانه و منحصر به فرد در جغرافیای قالی ایران، از شهرت جهانی نیز برخوردار باشد. هدف از این پژوهش مطالعه تاثیر طبیعت و جغرافیای منطقه در مولفه‌های فنی و محتوایی قالی‌های هریس می‌باشد. از این رو، شناسایی تاثیر طبیعت بر فرم و محتوای قالی‌های منطقه هریس به عنوان سوال اصلی پژوهش طرح گردید. در ادامه با انجام مطالعات میدانی و بررسی فرآیندهای طراحی و تولید قالی منطقه به شناسایی کیفیت ارتباط طرح و نقش و فرآیند تولید با شرایط اقلیمی و طبیعی منطقه پرداخته شد. نتایج نشان دادند بازتاب شرایط کوهستانی، آب و هوای سرد و مرطوب، پوشش گیاهی و شیوه زندگی ساکنان منطقه در طرح و رنگ و بافت قالی‌های هریس مشهود بوده و باعث تمایز این قالی‌ها از انواع مشابه شده است.

واژگان کلیدی: قالی هریس، طبیعت، جغرافیا، هنرهای صناعی، طرح و نقش

۱- استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز (نویسنده مسئول) [a.mirzaei@tabriziau.ac.ir](mailto:a.mirzaei@tabriziau.ac.ir)

۲- کارشناسی ارشد فرش، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

وجود پیوندهای استوار میان مؤلفه‌های فنی و بصری قالی‌های مناطق مختلف با طبیعت پیرامونی بافندگان از ویژگی‌های شاخص قالی‌های ایرانی می‌باشد. در دهه‌های اخیر با تجاری شدن تولید و غلبه معیارهای تجاری این ویژگی بویژه در قالی‌های شهری رو به افول نهاده است. با این حال قالی‌های روستایی و عشایری هنوز بازتابی از ویژگی‌های اقلیمی و طبیعی پیرامون را به نمایش می‌گذارند. این ویژگی‌ها برخاسته از مظاهر طبیعت پیرامون و فرهنگ مناطق به واسطه ذهن خلاق هنرمندان طراح و بافندگان محلی در فرم و محتوای قالی‌ها ظاهر می‌شوند. با توجه به اینکه این مؤلفه‌ها پشتوانه فرهنگی و هویتی قالی‌های دستبافت را به نمایش می‌گذارند، لذا مطالعه و شناخت پیوندهای پنهان و آشکار میان طبیعت و قالی دستبافت در مناطق مختلف می‌تواند به هویت بخشی و استحکام مبانی نظری و هنری قالی ایران کمک شایانی کند.

در جغرافیای قالیبافی ایران مناطقی هستند که علیرغم اهمیت اندک سیاسی، جغرافیایی و ناشناخته بودن در داخل کشور، در میان علاقه‌مندان خارجی و داخلی هنر-صنعت قالیبافی ایران از شهرت خوبی برخوردارند. شهرستان هریس یکی از این مناطق می‌باشد که فرم و محتوای شاخص و یگانه قالی‌های آن، شهرت و اعتبار جهانی برای این منطقه به همراه آورده است. قالی‌های این منطقه به واسطه برخورداری از ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی خاص، از چنان شاخصه‌هایی برخوردارند که حتی یک نمونه از آنها برای اطلاق این قالی‌ها به منطقه‌ی هریس کافی است. شیوه اجرای نیمه هندسی نقوش، صراحت بیانی در طرح و نقش با خطوط خشن و زوایای تیز، رنگ‌های زنده و تند، پرزهای بلند قالی از ویژگی‌های شاخص در قالی‌های هریس می‌باشند. (تصویر ۱). این ویژگی‌ها به همراه تراکم یا رجشمار پایین باعث شده است قالی هریس علیرغم قرارگیری در ردیف درشت بافت‌ترین قالی‌های سبک روستایی ایران به عنوان ارزشمندترین آنها نیز به شمار آید. می‌توان گفت این هویت یگانه قالی هریس برآمده از پشتوانه خاص اقلیمی، فرهنگی و منطقه‌ای شهرستان هریس است که باعث شهرت فراگیر برای این قالی‌ها شده و رقبای داخلی و خارجی را برای مثنی برداری از قالی‌های این منطقه تحریک نموده است. به گونه‌ای که در دهه‌های اخیر نمونه‌های مشابه و تقلیدی بسیاری از قالی‌های هریس در داخل و خارج کشور بافته شده است. از این رو مسأله اصلی پژوهش حاضر مهجور ماندن پیوندهای میان فرم و محتوای قالی‌های هریس با طبیعت پیرامون است که باعث کم‌رنگ شدن تدریجی ارزش‌های فرهنگی این قالی‌ها نزد مخاطبان شده است. لذا ضروری است با درک این پشتوانه‌های عظیم، مبانی و پیوندهای قوام بخش قالی‌های ایرانی مطالعه و در تقابل با نمونه‌های خارجی، اصالت و غنای هویتی قالی‌های ایرانی را حراست شود.

در ارتباط با مسأله پژوهش، سوالات تحقیق عبارتند از، ۱- بازتاب ویژگی‌های طبیعی شهرستان هریس در فرم قالی‌های هریس چگونه است؟ ۲- بازتاب ویژگی‌های طبیعی شهرستان هریس در محتوای قالی‌های هریس چگونه است؟ این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی است که با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استعانت از داده‌های حاصل از منابع کتابخانه‌ای و حضور مستمر و تجربیات زیسته محققین در میدان تحقیق (شهرستان هریس) به انجام رسیده است.



تصویر ۲- قالی هریس، خطوط زاویه‌دار و ترنج بزرگ از ویژگی‌های قالی هریس است. (منبع: مطالعات میدانی)

## ۲- پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش‌هایی که در زمینه تأثیرات اقلیم و جغرافیا انجام شده است را می‌توان در دو گروه طبقه‌بندی و معرفی کرد. پژوهش‌های مرتبط با تأثیر اقلیم بر هنرهای وابسته به معماری، و پژوهش‌های مرتبط با هنرهای صناعی و دست‌آفته‌ها. این پژوهش‌ها در ادامه معرفی شده‌اند. عبدالحسینی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان "سازگار کردن طراحی خانه‌های مسکونی تبریز و باکو با فرهنگ و اقلیم بومی"، عنوان می‌کند که معماری محل سکونت انسان‌ها بیش از هر چیزی به نحوه زندگی، ادارک و برداشت آنها و نیز ویژگی‌های جغرافیایی محل سکونتشان بستگی دارد.

ویسه و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان "ارائه روش‌های مناسب در استفاده از مصالح بوم‌آورد"، به چنین نتیجه‌ای رسیده‌اند که مصالح بوم‌آورد به ساختمان کیفیت "بومی" یا تعلق به محل می‌دهد که خوشایند و دلپذیر است و عنوان می‌کنند که در پهنه‌های اقلیمی سخت مانند پهنه‌هایی با زمستان‌های شدیداً سرد و پهنه‌هایی با تابستان‌های بسیار گرم و خشک و پهنه با تابستان‌های خیلی گرم و مرطوب استفاده از جرم حرارتی در اکثر مواقع سال نمی‌تواند آسایش حرارتی را تأمین کند. لازم است در این پهنه‌ها از لایه عایق حرارتی مانند پشم، چوب یا الیاف گیاهی در قسمت خارجی دیوار و بام ساخته شده با مصالح بنایی استفاده شود.

لاجوردی (۱۳۸۷) با بررسی "تأثیر اقلیم بر شکل‌گیری مساجد مناطق گرم و خشک (مطالعه موردی مساجد بافت قدیم شهر کاشان)"، بیان می‌کند که در بناهای مساجد کمتر از چوب استفاده شده و این امر چند دلیل دارد. یکی این که چوب در منطقه کاشان یافت نمی‌شود، دوم آنکه وجود موربانه‌ها در خاک کاشان هر نوع وسایل چوبی را از بین برده است و سوم آنکه چوب کارایی خست و گل را در مناطق گرم و خشک ندارد. مصالح مورد استفاده در ساخت مساجد شهر کاشان بیشتر از جنس مواد گلین بوده‌اند. این مواد گرما را کمتر از خود عبور داده و در عوض رطوبت را به خوبی از خود عبور می‌دهند.

موحد و فتاحی (۱۳۹۲) در طرح پژوهشی به "بررسی نقش اقلیم و محیط در شکل‌دهی فرم سازه مسکن روستایی استان فارس"، پرداخته‌اند و در طی این پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که مجموعه‌ای از عوامل در شکل‌گیری معماری روستایی استان فارس قابل شناسایی هستند که تنوع معماری روستایی در استان فارس مدیون نقش آفرینی غیرقابل اغماض هر کدام از این عوامل است. این عوامل به صورت یک الویت ثابت در تمامی روستاها دیده و ادراک نمی‌شود، بلکه بسته به موقعیت اقلیمی و جغرافیایی و نیز بافت فرهنگی روستا، الویت تأثیرگذاری عوامل تغییر می‌کند.

ولی بیگ، ناسخیان و نظریه (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان "تحلیل اثر شرایط اقلیمی بر روی فرم کلی و اجزای سازنده یخچال‌های سنتی در ایران"، بیان می‌کنند که در ناحیه گرم و خشک نیمه بیابانی شمالی مانند تهران و قم پلان یخچال‌ها به صورت مستطیل بوده و در مناطق کویری و گرم و خشک بیابانی پلان به صورت دایره در آمده است. این تغییر فرم پلان به دلیل کاهش سطح تماس بنا با اشعه‌های قائم خورشید است.

شریفیان، شیرینجانی و حبیبی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان "تأثیر اقلیم بر شکل‌گیری عناصر معماری سنتی بافت شوشتر و دزفول" تأثیر عناصر معماری سنتی در این شهر را مورد بررسی قرار داده‌اند و با رسیدن از کمیت به جزئیت در معماری سنتی، تمامی عوامل مربوط به طراحی اقلیمی در این شهر در شکل‌گیری عنصر معماری شوادان بیان شده است و همچنین همخوانی اقلیم با ابعاد و تناسبات شکل‌گیری عنصر معماری سنتی شوادان، در بافت شوشتر بررسی گردیده است.

رمضانی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به موضوع "اقلیم، مدرس بی ادعای هنر ساباط در گذر زمان"، پرداخته است و در نتیجه این پژوهش بر تأثیر اقلیم در نحوه شکل‌گیری شهرها و ایجاد تزیینات وابسته شهری و به صورت موردی موضوع ساباطها در شهرهای کویری تأکید نموده است.

مینورسکی (۱۳۷۵) در پژوهش خود "تأثیر عوامل جغرافیایی بر هنر ایران"، را بررسی کرده و هدف او سعی در معرفی مسائل کلی بوده و در نتیجه چندان به جزئیات پرداخته نشده است.

باجامالی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "زمین بوم‌های اجتماعی و افتراق‌های هنری در ایران نمونه موردی فرش دستباف در ایران مرکزی"، به این نتیجه رسیده‌اند که مکان به آن مفهومی که در علوم جغرافیا و به خصوص زمین ریختشناسی به آن پرداخته می‌شود، در شکل‌گیری هویت سکونتگاه‌های ایران نقشی انکارناپذیر دارد. به طوری که هر چه از سمت زمین بومهای شهری به سمت زمین بومهای روان دور شویم، تفاوت‌های ساختاری و ظاهری دستبافته‌ها بارزتر می‌شوند. این بدان معناست که افتراق‌های هنری در زمین بوم‌ها از تفاوت محیطی آنها پیروی می‌کند.

ابرقویی‌فرد و حسینی‌نسب (۱۳۹۷) در پژوهشی با موضوع "تأملی بر نقش و تأثیر محیط بر هنر بومی مردم بلوچ"، به این نتیجه رسیده‌اند که تأثیر محیط بر شکل یافتن و چگونگی هنرهای بومی در اقوام بلوچ در دو سطح می‌باشد، ۱. پاسخگویی به نیازهای فیزیکی که وابسته به شرایط محیطی هستند، ۲. پاسخگویی به نیازهای غیرفیزیکی نظیر تداوم فرهنگی و ثبات هویتی که نشانگر استمرار زیست یک گروه انسانی در محیطی معین هستند.

اسکندرپور و فهیمی‌فر (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان "مطالعه تأثیر عناصر موجود در طبیعت بر نقوش گلیم جیرفت"، عنوان می‌کنند که اغلب بافندگان گلیم، علاوه بر جنبه‌ی زیبایی و تزئینی اثر، به بیان باورها، علایق و افکار خود در آنها پرداخته‌اند. همچنین تأکید می‌کنند که بدون شک این نقوش هندسی، تنها جنبه‌ی تزئینی، فرمالیستی و صوری ندارد، بلکه برداشتی از طبیعت پیرامون و زندگی روزمره‌ی مردم را نشان می‌دهد که به صورت رمزگرایانه‌ای به تصویر درآمده است.

با توجه به این امر که پژوهشگرانی چون ادواردز (۱۳۶۸)، حشمتی‌رضوی (۱۳۸۷)، عزیزی و نوایی (۱۳۸۷)، میرزایی (۱۳۸۸)، میرزایی (۱۳۹۰)، محمدی و وندشعاری (۱۳۹۳) در مورد ویژگی‌های فنی و طرح و نقش قالی‌های هریس تحقیق نموده‌اند، ولی این منابع تأثیر اقلیم شهرستان هریس در فرم و محتوای قالی‌های این منطقه را مورد بررسی قرار نداده‌اند. لذا پژوهش حاضر به لحاظ اینکه به رویکردی جدید در رابطه با قالی‌های هریس پرداخته است، مستقل از پژوهش‌های گذشته می‌باشد و از این حیث، بدیع بودن موضوع مشخص می‌شود. بدین جهت، وجود تحقیقاتی بر مبنای این مفاهیم نیز می‌تواند درک و شناخت بهتر آثار هنری، کمک کننده باشد.

### ۳- نقش طبیعت در هنر و فرهنگ

با توجه به اینکه در شکل‌گیری فرهنگ، تمدن و هنر ایران از دوران ماقبل تاریخ تا کنون، طبیعت و مظاهر آن همواره نقش بسزایی داشته است لزوم توجه به بحث طبیعت و ماهیت و نقش آن در شکل‌گیری هنر ایران احساس می‌شود. واژه طبیعت در نگاه اول ما را به یاد محیط و سرزمین دست نخورده‌ای می‌اندازد که هنوز بشر آن را، تغییر نداده است. در فرهنگ لغات در این باره چنین آمده است: «طبیعت= سرشت، نهاد، سبیه، سرشتی که مردم به آن آفریده شده‌اند، مزاج و فطرت» (عمید، ۱۳۷۹: ۱۳۹۵).

طبیعت ظرف فرهنگ و خانه بزرگ انسان است بخش عمده‌ای از فرهنگ و هنر جامعه در رابطه با طبیعت و در جریان تلاش انسان برای سازگاری یا چیرگی بر آن پدید آمده است. «سمپل، جغرافیدان آمریکایی در تبیین جبر محیطی می‌نویسد: انسان زاده زمین است. البته این بدان معنا نیست که انسان را به منزله طفل زمین به شمار آوریم، بلکه نظرش آن است که زمین سازنده انسان است، زمین به انسان غذا می‌دهد، آرگانسیم او را می‌سازد و فعالیت‌های وی را در قالب محیط شکل می‌دهد و افکار و اندیشه‌های او را در بستری که محیط تعیین کرده است راه می‌برد» (منقول در، کاوندی و شاددل، ۱۳۹۲: ۹۷-۹۸). بررسی سنت‌ها و قرار و قانون‌های اجتماعی و آموزه‌های دینی در آئین‌های گوناگون در سراسر جهان نشان می‌دهد که مردمان هر روزگار به هر آئین و راهی که بوده‌اند و به هر مذهب و عقیده‌ای که ایمان داشتند با درک اهمیت طبیعت و بر پایه همین باورها، همواره به طبیعت با نگاهی مقدس می‌نگریستند. وجود درختان، گیاهان و کوه‌های مقدس (ساوالان و سهند در آذربایجان) که تقریباً در همه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها از دیر باز منبع نیروها و الهامات ناشناخته به حساب می‌آمدند، گواهی بر این مدعا است. «طبیعت برای انسانهای ابتدائی تنها منزل و ماوی و اسباب زندگی و غذا نبود، همه چیز او بود. حتی خدا او، خدای خیر و محبت و خدای شر و مصیبت» (بازرگان، بی تا: ۸).

طبیعت به دو شکل در تمدن‌های گذشته با فرهنگ و هنر در ارتباط بوده است، یکی وقتی که به طور مستقیم مورد بهره‌برداری انسان واقع می‌شود همچون رودخانه‌ای که آب آن مورد استفاده قرار می‌گیرد و یا مرتع و جنگلی که در کشاورزی و دامپروری از آن بهره‌برداری می‌شود. دوم وقتی که عنصر طبیعی مانند کوه، جنگل، دریا و ستاره و خورشید و مانند آن خود به خود به عنصر فرهنگی و آئینی تبدیل می‌شود (رود ارس یا آراز، کوه‌های سهند و ساوالان در فرهنگ آذربایجان). یعنی بدون بهره‌برداری مادی و عینی از مظاهر طبیعت و فقط با تأکید بر جنبه‌های ناشناخته و مبهم آن که از احساس نیاز به پرستش در انسان ناشی می‌شود. آنچه به این شکل (صورت دوم) از طبیعت وارد فرهنگ و هنر جامعه می‌شود. از طبیعت و از انسان مایه می‌گیرد. بنابراین هنر بویژه هنر سنتی از جمله قالی بافی با زندگی مردم و طبیعت عجین شده است، امری است که - حداقل در گذشته - همواره وابسته به طبیعت بوده است. اگر هنر یک جامعه را جزئی از فرهنگ آن جامعه بدانیم و با توجه به اینکه «عامل فرهنگ (باورها، اعتقادات، اسطوره‌ها...) و صورت‌های رفتاری که بر پایه آنها پدید می‌آیند (آداب، رسوم و آئین‌ها و...) بار بر عامل و عارضه طبیعی می‌شوند و آن را به یک عنصر فرهنگی تبدیل می‌کنند» (میرشکرایی، ۱۳۸۴: ۲)، بنابراین چون فرهنگ از طبیعت ریشه گرفته و وابسته به طبیعت است، هنر نیز با الهام از عناصر طبیعی و مظاهر آن همپای فرهنگ به حیات خود ادامه می‌دهد.

اگر نگاهی به تاریخچه قالی و روند رو به تکامل آن از زمان درهم تئیدن الیاف گیاهی تا رسیدن به دستبافته‌ای پشمین و لطیف ببینیم، متوجه می‌شویم این دستبافته بشری که ریشه در تاریخ و فرهنگ ایران دارد، هیچگاه جدا از طبیعت و محیط اطراف هنرمند قالیباف نبوده است. از تاروپود گرفته تا پرز و پشم قالی به طور مستقیم از طبیعت گرفته شده‌اند. به طرح و نقش که برسیم می‌بینیم که رنگ‌های مورد استفاده در نقش کردن قالی تا چند دهه قبل تماماً از طبیعت اطراف هنرمند بافنده و رنگرز گرفته می‌شد. به طور کلی فرش ایران را تا قبل از رواج رنگ‌های شیمیایی می‌شد اجتماع حساب شده عناصر طبیعی دانست که در نتیجه تفکر و خلاقیت هنرمند بافنده گرد هم می‌آمده‌اند تا جلوه‌ای دیگر از مظاهر طبیعت را بازگو کنند. کسانی که فنون بافت فرش را ابداع کردند و آن را به صورت امروزی در آوردند، عشایر و چادرنشینانی بودند که رابطه نزدیک و ملموسی با طبیعت

داشتند. آنان روی زمین می‌نشستند، غذا می‌خوردند، و روی زمین می‌خوابیدند. بنابراین فرش‌ها برای آنان تنها مرز و جداکننده از طبیعت به شمار می‌رفت و منطقی بود که هر آنچه که در آن نقش می‌بست نیز برگرفته از طبیعت باشد. از این رو «نقشمايه‌ها و طرح‌های فرش مجموعه برداشت‌های نقش‌پردازان و هنرمندان گمنام این صنعت دستی از طبیعت اطراف می‌باشند که طی سالیان متمادی عمر خویش به آنها دل بسته و از آنها الهام گرفته‌اند» (دانشگر، ۱۳۷۲: ۵۴۲). پس طبیعت همواره منبع اصلی برای الهام هنرمندان و خالقان طرح‌ها و نقوش قالی بوده است.

میزان تمایز، تفاوت و گوناگونی عوامل اقلیمی که خود برآمده از تفاوت‌هایی در نوع طبیعت و همچنین موقعیت جغرافیای مناطق مختلف است، حوزه‌های اقلیمی متفاوتی در جهان پدید آورده که هر یک ویژگی‌های خاصی دارد. محیط طبیعی عاملی بسیار مؤثر در جهت ادامه حیات و معیشت انسان است. همچنین تنوع محیطی در ایجاد تفاوت فرهنگی در اجتماعات انسانی نقش اساسی دارد. در واقع هویت و فرهنگ نمودی از پایه و اساس جغرافیای جامعه انسانی در سطوح قومی و ملیتی است. «هر کدام از گروه‌های انسانی فرهنگ ویژه‌ای دارند که متأثر از ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، زیستی و محیطی آنان است» (کاویانی‌راد، ۱۳۸۴: ۸۲). قالی‌بافی نیز یکی از شاخص‌ترین هنرهای بومی و فرهنگی ایران محسوب می‌گردد که از ویژگی‌های محیطی و فرهنگی حاکم بر منطقه تاثیر پذیرفته است. «هراثر هنری همانند فرش، چون بخواهد مفهوم هویت سرزمینی را در حکم زبان واحد ملت یا قومی معین نمایان سازد، باید درون خود ویژگی‌هایی از تاریخ، سنت، مذهب و فرهنگ ملی را همراه داشته باشد و جزئی از ارکان مادی و معنوی آن سرزمین محسوب شود» (بابا جمالی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴). از جمله قالی‌هایی که درون خود ویژگی‌های فرهنگ، هویت و جغرافیای محیط را به همراه دارد، قالی‌های شهرستان هریس است. شهرستان هریس (تصویر ۲) یکی از مناطق قالیبافی در استان آذربایجان شرقی می‌باشد که سابقه‌ای طولانی در امر قالیبافی دارد. قالی این منطقه دارای ویژگی‌های منحصر به فردی از نظر طرح و نقش، شیوه بافت و رنگ‌رزی است که این ویژگی‌ها باعث شهرت جهانی قالی‌های این منطقه شده است. «عمده شهرت این قالی‌ها به واسطه داشتن طرح و نقش نیمه هندسی و نیمه گردان در کنار استفاده از رنگ‌های حاصل از طبیعت منطقه است. شهر هریس به واسطه وسعت، جمعیت و موقعیت جغرافیایی و سیاسی به عنوان مرکز شهرستان، همواره از اهمیت خاصی در تولید فرش این منطقه برخوردار بوده است» (میرزایی، ۱۳۸۸: ۱۱۵).



تصویر ۲- موقعیت شهر هریس و مناطق اطراف نسبت به مرکز استان (مؤسسه گیتاشناسی)

#### ۴- شرایط اقلیمی شهرستان هریس

کوهستان‌های غربی که دامنه‌های غربی رشته کوه‌های فلات مرکزی ایران و سراسر کوه‌های زاگرس را در بر می‌گیرند از مناطق سردسیر کشور به شمار می‌آیند. شرایط اقلیمی این مناطق به گونه‌ای است که به دلیل ارتفاع زیاد، برودت هوا و افت دما بیشترین ریزش‌های جوی در آنها رخ می‌دهد. استان آذربایجان شرقی به دلیل قرارگیری در این منطقه «همواره تحت تأثیر بادهای سرد شمالی و سیبری و بادهای مرطوب دریای سیاه و مدیترانه و اقیانوس اطلس قرار گرفته است به علاوه، بادهای محلی نیز تحت تأثیر شرایط طبیعی استان از سوی کوهستان‌های بلند و دریاچه‌های ارومیه و خزر به سوی دشت‌ها و جلگه‌ها می‌وزند. آذربایجان شرقی یک منطقه سردسیر و کوهستانی است و از لحاظ تقسیم‌بندی‌های اقلیمی جزو مناطق نیمه‌خشک به حساب می‌آید و میانگین بارندگی سالیانه ۲۵۰ الی ۳۰۰ میلی‌متر می‌باشد. موقعیت کوهستانی و عرض جغرافیایی استان از عوامل برودت و سرمای قسمت اعظم این منطقه است. شهرستان هریس با مرکزیت شهر هریس که محور اصلی تحقیقات این پژوهش است در ۶۰ کیلومتری تبریز و در شمال شرق استان آذربایجان شرقی در مجاورت شهرهای اهر، بستان آباد، تبریز، سراب و مشکین شهر قرار

گرفته است. آب وهوای هریس نیز مانند سایر مناطق استان آذربایجان شرقی به طور کلی نیمه خشک و بسیار سرد محسوب می‌شود و به لحاظ داشتن خاک جلگه‌ای از مناطق مستعد کشاورزی می‌باشد. حدود ۷۰ درصد از وسعت این شهرستان را اراضی جلگه‌ای و ۳۰ درصد آن را مناطق کوهستانی تشکیل می‌دهند. با این حال شهرستان هریس به طور کلی دارای زمستان‌های بسیار سرد و یخبندان و تابستان‌های ملایم می‌باشد. متوسط درجه حرارت حداقل ۲۵- در زمستان و حداکثر ۳۵ درجه در تابستان می‌باشد. در شهرستان هریس زمستان‌ها طولانی، سرد و سخت بوده و تا چند ماه از سال، زمین پوشیده از یخ، و فصل بهار در این نواحی کوتاه مدت است.



تصویر ۳- کارگاه رنگرزی در هریس (منبع: مطالعات میدانی)

## ۵- بازتاب طبیعت در قالی هریس

با توجه به شیوه زیست مردمان منطقه هریس که در منطقه‌ای سرد و کوهستانی سکونت دارند و غالباً شغل و پیشه‌ی آنها کشاورزی و دامپروری است، در تعامل نزدیک با طبیعت هستند و در زمینه هنرهای بومی نیز تأثیر زیادی از محیط پیرامونشان پذیرفته‌اند. میزان تأثیرپذیری به گونه‌ای است که حتی نامگذاری شهر هریس هم بازتاب دهنده جغرافیای آن منطقه است. در وجه تسمیه نام هریس نظرات متفاوتی وجود دارد که وجه مشترک آنها نقش طبیعت در این نامگذاری است. «واژه هریز مرکب از سه جز است: هر "سرد"، ری "رودخانه"، ایز "نشانه زمین" پس هریز یعنی زمین رودخانه سرد. و یا واژه "آهریز" مرکب از "آه" یعنی کوه یا کوهستان، "ری" یعنی رودخانه، "ایز" یعنی زمین یا محل. پس آهریز یعنی محل رودخانه کوهستان. و نیز واژه "آهریس" مرکب از واژه "آه" یعنی کوه، یا "آهر" یعنی کوهستان، "ایس" هم پسوند مکان است و معنی آبادی و شهر را می‌دهد. پس آهریس یعنی آبادی و شهری که صاحب کوهستان است» (فرزانه، ۱۳۷۸: ۲۲). به دلیل پراکندگی روستاها و اقلیم سرد منطقه هریس، کشاورزی در این شهرستان به طور فصلی صورت می‌گیرد. به علت وجود مراتع و دیمی بودن زمین‌های زراعی، اکثر مردم به دامپروری و کشاورزی مشغول هستند و همین امر باعث گردیده پشم گوسفند در منطقه به وفور تولید و در دسترس اهالی قرار گیرد، پشم گوسفندان برای تولید انواع دستبافته‌ها و قالیبافی به مصرف می‌رسد و دسترسی به پشم‌های مرغوب گوسفندان، یکی از دلایل گسترش قالیبافی در این خطه می‌باشد. به طور کلی خواص و کیفیت پشم به عواملی نظیر ظرافت، طول، رنگ، درخشندگی و پیچش (جعد) و نوع و نژاد دام بستگی دارد. ظرافت پشم مهم‌ترین عامل تعیین کننده ارزش اقتصادی آن می‌باشد. یکی از ویژگی‌های قالی‌های هریس دوام بالای آن است. به گونه‌ای که در صورت استفاده صحیح، دچار فرسودگی نمی‌شود و برای مدت زمان طولانی قابل استفاده خواهد بود.

## ۶- رنگدانه‌ها و رنگرزی

هر اقلیم و منطقه جغرافیایی به فراخور شرایط جوی و محیطی حاکم بر منطقه، طبیعت و پوشش گیاهی خاص خودش را دارد. در واقع پوشش گیاهی هر رویشگاه نتیجه‌ای است از شرایط بومشناسی و عوامل زیست محیطی حاکم بر آن منطقه و به مثابه آینه تمام نمای ویژگی‌های بومشناسی و نیروی رویشی آن منطقه محسوب می‌شود. اقلیم و نوع پوشش گیاهی هر منطقه تعیین کننده

نوع رنگ‌های مورد استفاده در رنگ‌رزی قالی‌های آن منطقه است. استفاده از رنگ‌های گیاهی پایه و اساس در قالی‌های هریس می باشد و غالباً این رنگ ها در طیف‌های تیره و به اصطلاح تلخ به کار می‌روند (تصویر ۳).

از رنگ‌های مورد استفاده در قالی‌های منطقه هریس می‌توان رنگ‌های: سرمه‌ای، قهوه‌ای، قرمز روناسی، صورتی، مسی، سبزی‌تیره، مشکی و آبی اشاره کرد. از گذشته تا کنون به علت وجود مواد و گیاهان رنگزا در این منطقه اکثر مردم برای رنگ‌رزی خامه مصرفی خود به صورت سنتی از آنها استفاده می‌کنند. رنگدانه‌های گیاهی که در این اقلیم و مناطق اطراف بدست می‌آیند عبارتند از: روناس، پوست انار، پوست گردو، پوست پیاز، اسپرک، برگ مو و برگ سماق. نام برخی از رنگ‌هایی که از رنگدانه‌های مذکور تولید می‌گردد می‌توان از: چهره‌ای (قرمز لاله‌ای)، خانیم سونا (قرمز روشن)، آلیق (لاکی، عنابی)، تیرمه‌ای (تیره تراز مله ای شتری)، توخ آل (زرشکی، قهوه‌ای)، توخ یاشیل (سبزی‌سیر)، سرمه‌ای، دمیر رنگی (موشی) نام برد (تصویر ۴).



تصویر ۴- مستوره رنگ‌های اصلی قالی‌های منطقه هریس

خامه قالی‌های هریس از پشم‌گوسفندان زنده و از نوع مرغوب با رنگ‌پذیری بالا می‌باشد. «برابر اظهار برخی گزارش‌ها آب هریس دارای املاحی است که رنگ‌پذیری را بیشتر می‌کند. عده‌ای بر این اعتقادند که قلیایی بودن (دارای PH ۷/۷۹) آب هریس چربی پشم را حل می‌نماید» (فرزانه، ۱۳۷۹: ۲۱۰). در گذشته پس از مرحله چیدن پشم گوسفند، به جهت آماده سازی پشم گوسفند برای رنگ‌رزی، پشم‌ها را در رودخانه با گیاهی بنام آشنان که به زبان آذری "چووغان" گفته می‌شود، می‌شستند. این گیاه در مراتع و صحرای منطقه هریس می‌روید. لازم به ذکر است که شخصی که پشم‌ها را با گیاه چووغان در رودخانه شست و شوی می‌داد، چووغانچی نامیده می‌شد. «بر اثر سوزاندن ساقه و برگ گیاه آشنان املاح موجود در گیاه به صورت خاکستر باقی می‌ماند که با نام قلیا در شستشوی لباس که در ایام گذشته مرسوم بوده است کاربرد دارد» (ادنانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳).

در اثر سوزانده شدن این علفه مقادیری نمک کربنات سدیم تولید خواهد شد و چنانچه مواد حاصل از سوزاندن آشنان، در آب قرار گیرد، ایجاد کف غلیظ پایدار می‌نماید. در گذشته از ترکیبات طبیعی گیاهی، حیوانی و معدنی متعددی بعنوان مواد پاک کننده طبیعی به جهت شستشوی البسه، بدن و مو استفاده می‌گردید. «قلی نام ماده‌ای است که از سوختن گیاه آشنان حاصل می‌گردد. بدین ترتیب که زمین را گود کرده و آشنان تازه را در آن می‌ریزند. نی، خار، و هیزم روی آن ریخته و آتش می‌زنند. مایعی که از آن خارج شده سفت و منجمد می‌شود. هرچه آشنان رطوبت و چسبندگی بیشتری داشته باشد، قلی بیشتری تولید می‌شود که به صورت قطعات بزرگ و کوچک در می‌آید. قلی جزو اصلی صابون است» (تقوی شیرازی و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۴۰).

قالیبافی در آذربایجان شرقی بر پایه دو شیوه شهری‌باف و روستایی‌باف قرار دارد، که قالی‌های شهرستان هریس به جهت ویژگی‌های فنی و بصری و سبک قالیبافی در ردیف قالی‌های روستایی قرار می‌گیرند. با توجه به شرایط اقلیمی که بر منطقه هریس حاکم است، این منطقه دارای برودت هوا و سرمای طولانی می‌باشد. در ایام گذشته بافندگان هریسی قالی را صرفاً محصولی کاربردی به جهت جلوگیری از سرما و به عنوان زیرانداز عایق در برابر سرما تولید می‌کردند. بنابراین در هنگام تولید، ظرافت معیار نبوده و در نزد اهالی منطقه جنبه‌ی تزئینی و دکوراتیو نداشته است و هدف از درشت‌بافت بودن و یا پرگوش چیدن قالی نیز به دلیل استفاده از یک زیرانداز گرم کننده بوده است که در عین حال از نفوذ سرما و رطوبت که ویژگی شاخص در اقلیم سرد و مرطوب منطقه هریس است جلوگیری نماید.

## ۷- طرح و نقش

بافندگان هنرمند هریس نیز با مشاهده عناصر طبیعت اطراف اقدام به انتزاعی کردن آنها نموده و برداشت ذهنی خود را از آنها بر روی فرش ثبت می‌کنند. این بافندگان با روش خاص خود که ریشه در فرهنگ و طبیعت منطقه نیز دارد، اقدام به انتخاب بهترین عناصر و بهترین شیوه انتزاع برای بیان مقصود خود می‌نمایند. که از آن با نام زبده گزینی در هنر یاد می‌شود (میرزایی، ۱۳۹۰: ۱۳). طرح و نقشه‌های بدیع و منحصر به فرد قالی‌های منطقه هریس را خطوطی شکسته که از ترکیب خطوط افقی، عمودی و مایل می‌باشد، تشکیل می‌دهند. بهره‌گیری از خطوط شکسته و نوک تیز در نقوش قالی‌های هریس، بی تأثیر از شرایط جغرافیایی و کوهستانی منطقه نیست. تخته سنگ‌هایی با لبه‌های تیز و خطوط دنداندار کوهستان‌های شهرستان هریس و انواع خطوط در طبیعت هر یک به نحوی در ضمیر افراد بومی اثر می‌گذارند. واکنش چشم و مغز انسان نسبت به خط، واکنشی غریزی است ولی چون به دیدنشان عادت کرده‌ایم به تأثیر روانی آنها توجهی نمی‌کنیم. «فارابی دانشمند ایرانی، اختلاف اخلاق و روحیات را در نتیجه اختلاف آب و هوا می‌داند و می‌گوید مردم در هر منطقه که زندگی می‌کنند تحت تأثیر وضع آب و هوا، زمین، عوامل جغرافیایی و اوضاع اقلیمی آن می‌باشند. مکان‌های مختلف تأثیرات متفاوتی در روحیات و رفتار افراد دارد» (نقره‌کار و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۲).

طرح و نقشه فرش با رجشمار قالی رابطه مستقیم دارد. هرچه بافت قالی درشت‌تر باشد، تراکم قالی کمتر می‌شود و در نتیجه میزان رجشمارش کمتر خواهد بود. قالی‌های درشت بافت همچون قالی‌های هریس، رجشمار پایین دارند. قالی‌های هریس با رجشماره ۱۸ تا ۲۵ بافته می‌شود. با پایین آمدن رجشمار، تراکم بافت هم کمتر می‌شود و در نتیجه طرح و نقش به فرمی شکسته تبدیل می‌گردد. قالیبافان هریس در گذشته از نقشه استفاده نمی‌کردند و نقوش قالی را به طور ذهنی می‌بافتند و یا اغلب از طرح قالیچه‌ی دیگری (اورنگ) و یا نقشه‌های کوچک که بر پارچه‌ای ترسیم یافته است (دستمال نقشه)، یاری می‌جستند. «دستمال نقشه‌ها که در زبان محلی به آنها "چشنی" نیز می‌گویند عبارتند از: یک تکه پارچه چلوار ساده سفید رنگ در اندازه ۳۰×۲۰ سانتی متر تا ۴۰×۳۰ سانتی متر که طرح و نقشه مورد نظر جهت بافت بر روی آن کشیده شده است» (میرزایی، ۱۳۸۸: ۱۱۵). (تصویر ۵).



تصویر ۵- یک نمونه از چشنی یا دستمال نقشه که به عنوان الگوی بافت قالی در هریس استفاده می‌شد. (منبع: مطالعات میدانی)

## نتیجه‌گیری

هویت و فرهنگ برآیندی از پایه و اساس جغرافیای جامعه انسانی در سطوح قومی و ملیتی است و بازتاب تعاملات انسان‌ها با محیط پیرامونشان در بستر هنرهای بومی متأثر از اقلیم و پیروی از الگوهای مشترک زیستی و عوامل فرهنگی صورت می‌پذیرد و با استمرار در طی گذشت زمان تکامل می‌یابد. هنرهای بومی و روستایی ایران به عنوان کاربردی‌ترین هنر و نیز به‌مثابه تولیدی فرهنگی، غالباً در مناطق روستایی و عشایری و در محل سکونت صنعتگران بومی تولید می‌شود. هنرهای بومی ایران، به سبب دارا بودن ویژگی‌هایی همچون شهرت، اصالت، هویت و اعتبار جهانی، بخشی از درآمد ارزی مورد نیاز کشور را تأمین می‌کنند. بخش قابل ملاحظه‌ای از هنرهای بومی ایران را زیراندازها (قالی، انواع گلیم، گبه، جاجیم، پلاس، زیلو، نمد و...) تشکیل می‌دهند. در هر زیستگاه اقلیمی، قالی و انواع دستبافته‌هایی وجود دارند که فرآیند تولید هریک از آنها متأثر از عوامل محیطی، ساختار و قواعدی است که در آن مکان‌ها بوجود آمده‌اند. هرچند فرش دستبافت مناطق مختلف در ساختار و کلیت، وجه اشتراک زیادی با هم دارند اما در مؤلفه‌های بصری، فنی، طرح، رنگ، ساختار و ابعاد و ... دارای تفاوت‌هایی هستند. در این پژوهش، با بررسی عوامل



اکولوژیک و محیطی که بر منطقه هریس حاکم است، عنوان شد که این منطقه دارای برودت هوا و سرمای طولانی و طبیعی سخت و کوهستانی می‌باشد. بنابراین دلیل ویژگی پرگوشتی و درشت‌بافی قالی‌های هریس بدین امر است که بافنده می‌خواهد از آن بعنوان یک زیرانداز پشمین گرم کننده و عایقی برای سرما استفاده کند. به عبارتی کوه‌های سربه فلک کشیده و آب و هوای سرد و خشن منطقه با زمستان‌های طولانی، باعث به وجود آمدن قالی‌هایی شده است که از نظر درشتی بافت، ارتفاع پرزها و شکسته بودن طرح و نقش، کاملاً با ویژگی‌های جغرافیایی چنین محیطی سازگارند. در ایام گذشته بافندگان هریسی قالی را صرفاً محصولی کاربردی به جهت جلوگیری از سرما و به عنوان زیرانداز عایق در برابر سرما تولید میکردند و مؤلفه‌هایی که بر سختی، ضخمتی، استحکام و ویژگی‌های گرمایشی قالی‌های هریس می‌افزود را نیز مورد استفاده قرار می‌دادند. بدین جهت در هنگام تولید، ظرافت معیار نبوده و در نزد اهالی منطقه جنبه‌ی تزیینی و دکوراتیو نداشته است بلکه هدف از درشتبافت بودن و یا پرگوشت چیدن قالی نیز به دلیل استفاده از یک زیر انداز گرم کننده است. هرچه بافت قالی درشت‌تر باشد، تراکم قالی کمتر می‌شود و در نتیجه میزان رجشمارش کاهش خواهد یافت. بنابراین با پایین آمدن رجشمار و تراکم بافت، طرح و نقش قابلیت به نمایش گذاشتن ظرافت و خطوط پر پیچ و خم خود را از دست داده و به فرمی شکسته تبدیل می‌گردد. در این پژوهش عامل دیگری که در رابطه چرایی علت خطوط شکسته و هندسی در طرح و نقش قالی‌های منطقه هریس مطرح گردید، این است که چنین فرمی از خطوط در طرح و نقش آن بر محیط سخت و کوهستانی زندگی بافندگان آن منطقه دلالت دارد. زیرا انواع خطوط در طبیعت هر یک به نحوی در ضمیر، ذهن و روحیات افراد اثر می‌گذارند. هر پدیده‌ای که پیرامون انسان رخ می‌دهد، به غیر از اینکه معنا و مفهومی در ذهن او ایجاد می‌کند بر رفتار، خلق و خوی و کنش‌های او اثر می‌گذارد. به عبارتی هر اثری که بدست انسان خلق می‌گردد، بازتابی از روحیات و ذهن وی می‌باشد. بیان ویژگی‌های فنی و بصری در قالب فرم و محتوای قالی‌های منطقه هریس، بدان معنا نیست که قالی‌های این منطقه دارای بعد زیبایی نیستند، چرا که ویژگی‌های مزبور، دارای مشخصه‌های منحصر بهفردی از نظر طرح و نقش، شیوه بافت و رنگرزی است که این ویژگی‌ها باعث شهرت جهانی قالی‌های هریس گردیده است.

## منابع

۱. ادنایی، مهدی؛ غلامی، پرویز؛ حیدری، قدرت‌الله و مرادی، محمدرضا (۱۳۹۲)، «بررسی مقدماتی گیاهان دارویی شورروی (مطالعه موردی -حاشیه دریاچه نمک قم)»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مدیریت منابع طبیعی، دانشگاه گنبد کاووس.
۲. باباجامالی، فرهاد؛ رامشت، محمدحسین؛ محمدی، محمود و مقیمی، ابراهیم (۱۳۹۳)، «زمین‌بوم‌های اجتماعی و افتراق‌های هنری در ایران نمونه موردی فرش دستباف در ایران مرکزی»، مطالعات تطبیقی هنر، سال چهارم، شماره ۷.
۳. تقوی شیرازی، مریم؛ شجاعی، آسیه؛ علی اصل، ژاله و علی اصل، فاطمه (۱۳۹۶)، «شوینده‌های طبیعی البسه از دیدگاه طب سنتی ایران. طب سنتی اسلامی ایران»، سال هشتم، شماره ۴.
۴. دانشگر، احمد (۱۳۷۲)، «فرهنگ جامع فرش ایران»، چاپ اول، تهران: انتشارات دی
۵. فرزانه هریس، محرم (۱۳۷۸)، «شهرستان هریس و جلوه‌های طبیعی، اجتماعی و هنری زیبای آن»، چاپ اول، قم: نشر نوید اسلام
۶. عمید، حسن (۱۳۷۹)، «فرهنگ فارسی عمید»، تهران: امیرکبیر
۷. عمید، حسن (۱۳۹۵)، «فرهنگ فارسی عمید»، تهران: امیرکبیر
۸. کاوندی، سحر و شاددل، طیبه (۱۳۹۲)، «تأثیر عوامل جغرافیایی بر اخلاق»، اخلاق زیستی، سال سوم، شماره ۹.
۹. کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۴)، «بنیادهای جغرافیایی فرهنگ ایرانی»، مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره ۲۷، ص ۸۲
۱۰. میرزایی، عبدالله. (۱۳۸۸)، «بررسی تأثیر کیفی دستمال‌نقشه‌ها در طرح و نقش قالی‌های هریس»، گلجام، شماره ۱۴.
۱۱. میرزایی، عبدالله (۱۳۹۰)، «طرح‌ها و نقشمایه‌های رایج در قالی‌های هریس»، همایش ملی هنر، فرهنگ، تاریخ و تولید فرش دستباف ایران و جهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد.
۱۲. میرشکرایی، محمد (۱۳۸۴)، «فرهنگ و میراث طبیعی»، کتاب ماه هنر، شماره ۸۳ و ۸۴.
۱۳. نقره‌کار، عبدالحمید؛ حمزه‌زاد، مهدی و دهقانی تفتی، محسن (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر محیط طبیعی بر رفتار و اخلاق از دید متفکران اسلامی و نتایج آن در طراحی محیط مصنوع»، آرماتشهر، شماره ۵.

# A Reflection of Nature in the Form and Design of Heriz Rugs

**Abdollah Mirzaei<sup>1</sup>, Fateme bagherizadeh<sup>2</sup>**

1- Ph.D. Assistant Professor, faculty member for Tabriz Islamic Art University.  
(a.mirzaei@tabriziau.ac.ir)

2- M.A Student in Carpet, Tabriz Islamic Art University

## Abstract

Iranian handmade arts as a part of cultural and artistic heritage of the country have always provided a context for transferring Iranian local traditions throughout history. These local and traditional arts have their identity specifications according to the natural, environmental, and geographical conditions of the artists producing them. Iranian handwoven rugs especially in nomadic and rural areas as the most prominent Iranian local handmade industry represent the geography, nature, and culture of weavers. Heriz is known as one of the most important producers of Iranian rural-styled rugs. The prominent features in form and design of rugs woven in Heriz have given a unique identity in the geography of Iranian rugs leading to a global reputation. This study aimed to explore the effect of nature and the regional geography on technical and design components of Heriz rugs. To this end, the main question address in this study was related to the effect of nature on the form and design of Heirs rugs. Therefore, using field studies on the process of designing and weaving rugs, we investigated how identify, quality, design, and the weaving process are associated with the climatic and environmental conditions. The results indicated mountainous conditions, cold and mild climate, vegetation, and lifestyle of the people living in this region are represented in design, color and weaving patterns of Heriz rugs distinguishing these rugs from similar hand-woven rugs

**Keywords:** Heriz Rug, Nature, Geography, Artifacts, Design and Pa

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی